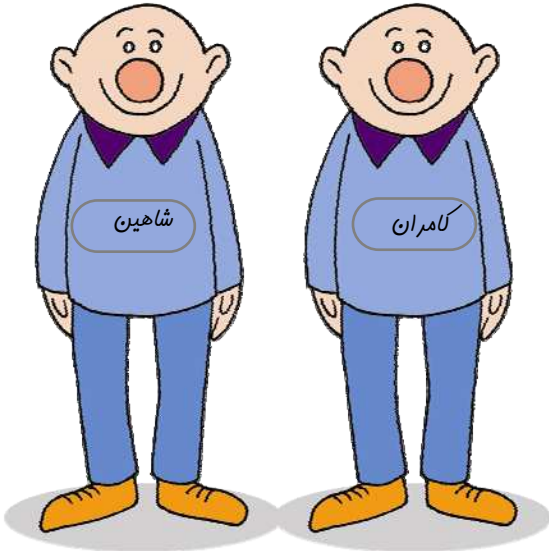


جناس تام

«تفاوت توی معنی ولی ظاهر یکسان / اسمش جناس تام توی تموم ایران»



آکلید ظاهر واژگان یکسان و معانی آن‌ها متفاوت

نکته (۱) مطمئن شوید معانی متفاوت را یافته‌اید، صرفاً به ظاهر یکسان اکتفا نکنید.

«وفا را زاد مادر چون مرا زاد / جفا را زاد مادر چون تو را زاد» «جناس تام ندارد.»

(۲) «جناس تام» اگر در آخر دو مصراع به کار رود قافیهِ آن شعر است نه ردیف. (زیرا ردیف هم ظاهر یکسان دارد و هم معنی یکسان درحالی که جناس تام تنها با ظاهر برابر می‌آید.)

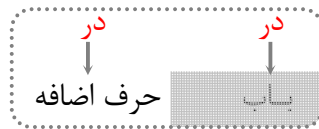
«هر کس که نهد پای بر آن خاک سر کو (کوچه) ذکرش همه این است که گم گشته دلم کو (کجاست)؟
 ردیف قافیه ✓

نمونه‌ها

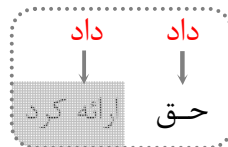
- | | |
|--------------------------------------|--|
| این در، در انتظار تو، تا صبح باز بود | ۱) امشب نیامدی و ز چشمم رمید خواب |
| باید چو ابراز همه اعضا گریستن | ۲) تنها به دیده‌ای، نتوان داد گریه داد |
| بی سبب نیست که شب خواب پریشان بینم | ۳) دیده‌ام زلف پریشان تو در دست رقیب |
| بگذار تا ببینم آن چشم نازنین را | ۴) زان ابروان زیبا، برچین به ناز، چین را |
| تا نگویی که اسیران کمند تو، کمند | ۵) هر خم از جعد پریشان تو، زندان دلی است |

حل نمونه‌ها

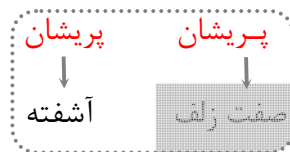
۱) امشب نیامدی و ز چشمم رمید خواب این **در**، **در** انتظار تو، تا صبح باز بود



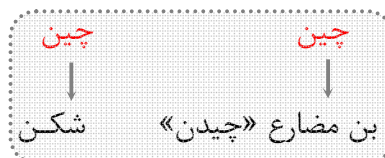
۲) تنها به دیده‌ای، نتوان **داد** گریه **داد** باید چو ابر از همه اعضا گریستن



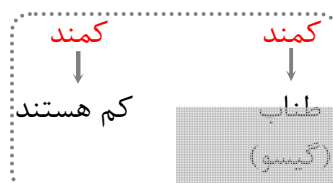
۳) دیده‌ام زلف **پریشان** تو در دست رقیب بی سبب نیست که شب خواب **پریشان** بینم



۴) زان ابروان زیبا، بر **چین** به ناز، **چین** را بگذار تا بینم آن چشم نازنین را



۵) هر خم از جعد **پریشان** تو، زندان دلی است تا نگویی که اسیران **کمند** تو، **کمند**

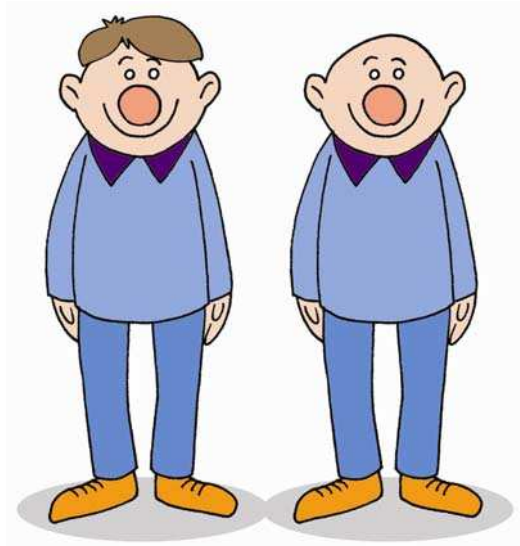


جناس ناقص

«تفاوت تو حرکت و یا به حرف خالص / می‌سازه توی شعرا واست جناس ناقص»

؟ کلید خودکار عمودی (هر وقت دو تا لغتو زیر هم نوشتی، بعدش خودکارتو عمودی روی یکی از حروف گذاشتی و بقیه‌ی حروفش یکی بودن، جناس ناقص پیداش کردی)

بود	بود	بود	بود	بود	بود
سبودا	بودا	بوی	کبود	باد	سبود
x	✓	✓	✓	✓	✓



نکته تکواژهای وابسته‌ای که همراه واژگان شده‌اند تأثیری در جناس ناقص بودن آن‌ها ندارند.

«دیدی آن ترک ختا غارت دین بود مرا گرچه عمری به خطا دوست خطابیش کردم»
 بی تأثیر جناس ناقص

نمونه‌ها

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) نوبهار است بر آن کوش که خوشدل باشی | که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی |
| ۲) اگر قدم نهد آن سرو ناز بر سر من | سر من و قدم سرو ناز پرور من |
| ۳) از نگاهش دارم امید وصالی ز آنکه گاه | می‌رود صیاد از پی، صید پیکان خورده را |
| ۴) قامتی دیدم که می‌گوید گه برخاستن | کو قیامت تا تماشای قیام من کند؟ |
| ۵) دنیا عسل است و هر که او بیش خورد | خون افزایشد، تب آورد، نیش خورد |

حل نمونه‌ها

۱) نوبهار است بر آن کوش که خوشدل باشی که بسی **گل** بدهد باز و تو در **گل** باشی

گُل
گِل

۲) اگر قدم نهد آن **سرو** ناز بر **سر** من سر من و قدم **سرو** ناز پرور من

سرو
سر

۳) از **نگاهش** دارم امید وصالی ز آنکه **گاه** می رود **صیّاد** از پی، **صید** پیکان خورده را

نگاه
گاه

۴) **قامتی** دیدم که می گوید **گه** برخاستن کو **قیامت** تا تماشای قیام من کند؟

قیام
قیامت

قامت
قیامت

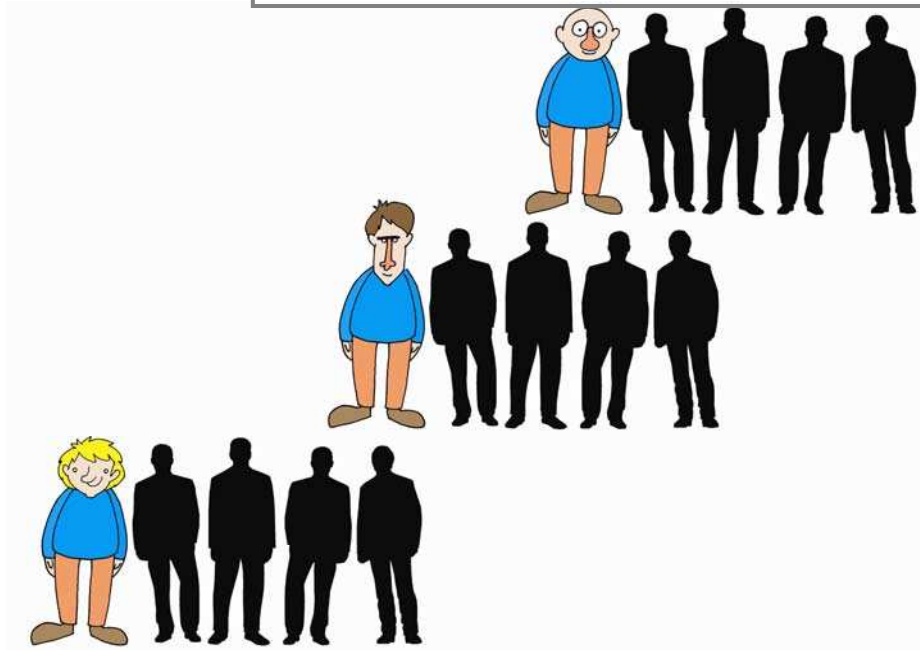
۵) دنیا **عسل** است و هر که او **بیش** خورد خون افزایشد، تب آورد، **نیش** خورد

بیش
نیش

سجع

«دو واژه‌ی ته جمله که شکلش هماهنگه / اسمش **سجع** توی نثر، پپین چقدر قشنگه»

؟ کلید کلمات هم‌قافیه، در آخر جملات نثر (سجع در نثر همان قافیه در شعر)



نکته افعال یا عباراتی به شکل ردیف می‌توانند در آخر آن بیایند. گاهی یکی از طرفین به قرینه‌ی لفظی حذف می‌شود و این موضوع تأثیری در سجع ندارد.

«دختری پرخواسته بود و جمله به گل آراسته [بِسُود]

نمونه‌ها

۱) دیده در ظلمت شب، هر چند در خفا است، اما امید روشنی صبح در قفا است.

۲) الهی، فرمایی که بجوی و می‌ترسانی که بگریز، می‌نمایی که بخواه و می‌گویی که پرهیز

۳) تا با تو آشنا شدم، از خلاق جدا شدم، نهان بودم و پیدا شدم

۴) الهی، بایسته‌ی تو، پیش از طاعت، مغفور و نابایسته‌ی تو پیش از معصیت مهجور است.

۵) آنچه منصور حلاج گفت، من نیز گفتم، او آشکارا گفت، من نهفتم

حل نمونه‌ها

﴿۱﴾ دیده در ظلمت شب، هر چند در **خفا** است، اما امید روشنی صبح در **قفا** است.

﴿۲﴾ الهی، فرمایی که بجوی و می ترسانی که **بگریز**، می نمایی که بخواه و می گویی که **بپرهیز**

﴿۳﴾ تا با تو **آشنا** شدم، از خلاق **جدا** شدم، نهان بودم و **پیدا** شدم

﴿۴﴾ الهی، بایسته‌ی تو، پیش از طاعت، **مغفور** و نابایسته‌ی تو پیش از معصیت **مهجور** است.

← است بعد از «مغفور» به قرینه‌ی لفظی حذف شده است و گفتیم که این موضوع تأثیری در ایجاد سجع ندارد.

﴿۵﴾ آنچه منصور **حلاج** گفت، من نیز **گفتم**، او آشکارا گفت، من **نهفتم**

واج آرایبی، نغمه‌ی حروف

«به په پاپا په پویت، پدو پیا پاپایی / دیدی تکرار «پ» رو، حالا شد **واج آرایبی**»

؟ کلید ذکر بیش از ۲ بار واج یا واج‌هایی نزدیک به هم و تأثیرگذار



نکته گاهی واج انتخاب شده با موضوع و مفهوم بیت در ارتباط است:

«خیزید و خز آرید که هنگام خزان است باد خنک از جانب خوارزم وزان است»

«خ و ز» تداعی کننده‌ی صدای «خز خز» خرد شدن برگ‌های پاییزی

«خروش از خم چرخ چاچی بخواست»

«خ و چ» تأکید بر خشونت

نمونه‌ها

- | | |
|---|---|
| که گذر بر سر فرهاد نکردی و گذشت | ۱) ناله‌ی تیشه به گوش دل شیرین می‌گفت |
| ز وحشت خون عالم در دل صیاد می‌کردم | ۲) نمی‌گردید اگر ذوق گرفتاری عنان گیرم |
| هر آنچه گل به چمن بود، چید و دور انداخت | ۳) چو دید لاله‌ی روی تو، باغبان از شرم |
| گر دل بمیرد وای من گر من بمیرم وای دل | ۴) جز دل که گیرد جای من، جز من که گیرد جای دل |
| سینه می‌گوید که من تنگ آمدم فریاد کن | ۵) ناله را هر چند می‌خواهم که پنهانی کنم |

حل نمونه‌ها

۱) ناله‌ی تیشه به گوش دل شیرین می‌گفت که گذر بر سر فرهاد نکردی و گذشت

واج ش

۲) نمی‌گردید اگر ذوق گرفتاری عنان گیرم ز وحشت خون عالم در دل صیاد می‌کردم

واج گ

۳) چو دید لاله‌ی روی تو باغبان، از شرم هر آنچه گل به چمن بود، چید و دور انداخت

واج چ

۴) جز دل که گیرد جای من، جز من که گیرد جای دل گر دل بمیرد وای من گر من بمیرم وای دل

واج ج

۵) ناله را هر چند می‌خواهم که پنهانی کنم سینه می‌گویند که من تنگ آمدم فریاد کن

واج ن

اغراق (مبالغه)

«اگر دیدی تو شعرا، دروغی توپول و چاق / «مگه میشه» پیپسو، پهبش بگو تو اغراق»

؟ آکلید «مگه میشه + عبارت جواب نه ← اغراق»



نکته از آن جا که هر اغراقی منظوری دیگر در پس خود دارد، همهی آن‌ها به نوعی «کنایه» نیز هستند و این دو ناقض یکدیگر نخواهند بود.

نمونه‌ها

- | | |
|---|--|
| گر سحر بوی خوشت جانب گلزار آرند | ۱) بلبل از شاخ گل افتد به زمین از مستی |
| جهان ماتم سرا گردد اگر من از نوا افتم | ۲) به ذوق ناله‌ی من، آسمان مستانه می‌رقصد |
| که از ستاره فزون است اگر شماره کنی | ۳) به دانه دانه‌ی اشکم نگاه کن ای ماه! |
| از ره دشمن به مژگان خاک بر می‌داشتم | ۴) تهمت عجز است سدّ راه «صائب» ورنه من |
| چو از عکس رُخش عالم پر از مهتاب می‌دیدم | ۵) چه حاجت بود شمع افروختن در بزم او یارب! |

حل نمونه‌ها

۱) بلبل از شاخ گل افتد به زمین از مستی گر سحر بوی خوشت جانب گلزار آرند

- مگه میشه بوی خوش بار بلبل را مست کند و از پا در آورد؟ نه

۲) به ذوق ناله‌ی من، آسمان مستانه می‌رقصد جهان ماتم‌سرا گردد اگر من از نوا افتم

- مگه می‌شه با صدای من آسمان برقصد و با سکوت من جهان در عزا فرو برود؟ نه

۳) به دانه دانه‌ی اشکم نگاه کن ای ماه! که از ستاره فزون است اگر شماره کنی

- مگه می‌شه اشک‌های من از ستارگان آسمان بیشتر باشد؟ نه

۴) تهمت عجز است سدّ راه «صائب» ورنه من از ره دشمن به مژگان خاک بر می‌داشتم

- مگه می‌شه با مژگانم، خاک از سر راه کسی بردارم؟ نه

۵) چه حاجت بود شمع افروختن در بزم او یارب! چو از عکس رُخش عالم پر از مهتاب می‌دیدم

- مگه می‌شه انعکاس چهره‌ی یارب جهان را پر نور کند؟ نه